نظریه بیمارستان فرهنگی-اجتماعی

محمد رحمانی، فائزه طاهری
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان
دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز
m.rahmani@iau.ir
f.taheri@iau.ir

چکیده:

نظریه «بیمارستان فرهنگی-اجتماعی» با الهام از آیات قرآن، نهج‌البلاغه و آرای جامعه‌شناختی، هدفی دوگانه دارد: نخست، ترسیم جامعه به‌مثابه موجودی زنده که بیماریهای آن (مانند فقر، فساد و بی‌هویتی) نیازمند شناسایی و درمان است تا از سرایت به اعضا و فروپاشی کل سیستم جلوگیری شود. دوم، ارائه مدلی عملیاتی برای «درمانگری اجتماعی» با ترکیب حکمت دینی و علوم انسانی . این نظریه با روش تلفیقی (کیفی-تطبیقی) و با تحلیل محتوای متون دینی (قرآن و نهج‌البلاغه) و مقایسه آن با نظریات جامعه‌شناسانی چون دورکیم، وبر و ابن‌خلدون شکل گرفته است. استعاره «بیمارستان» به‌عنوان چارچوبی مفهومی، امکان تحلیل بیماری‌های فردی (جهل) و ساختاری (تبعیض) و طراحی راهکارهای درمانی (اصلاح قوانین، تربیت اخلاقی) را فراهم میکند . درمان جامعه نیازمند هماهنگی بین «درمان فردی» (تقویت اخلاق و آگاهی) و «درمان ساختاری» (عدالت محوری) است. قرآن با تأکید بر «اصلاح اجتماعی» (سوره شوری، آیه ۱۳) و نهج‌البلاغه با محوریت عدالت (خطبه ۵۳)، نشان می‌دهند که غفلت از بیماری‌های اجتماعی به فروپاشی منجر می‌شود. این نظریه، ادغام آموزه‌های دینی با دانش جامعه‌شناسی را راهبردی ضروری برای ساختن جامعه‌ای سالم و پایدار می‌داند .

واژگان کلیدی: بیمارستان اجتماعی، فرهنگ و اجتماع، بیماری اجتماعی-فرهنگی

۱ .مقدمه

جامعه به مثابه یک موجود زنده است که اعضای آن در تعامل با یکدیگر، سلامت یا بیماری کل سیستم را رقم می‌زنند. همان‌گونه که بدن انسان در صورت ابتلا به بیماری نیازمند درمان است، جامعه نیز در مواجهه با آسیب‌های فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی، و سیاسی نیازمند «درمانگری اجتماعی» است. این نظریه با الهام از مفاهیم قرآنی، سخنان امام علی(ع) در نهج البلاغه، و نظریات جامعه‌شناسانی چون امیل دورکیم، ماکس وبر، و ابن‌خلدون، جامعه را به عنوان یک «بیمارستان فرهنگی-اجتماعی» تصویر می‌کند که در آن بیماری‌های اجتماعی (نظیر فقر، تبعیض، فساد، و بیهویتی) باید شناسایی، تحلیل، و درمان شوند تا کل پیکره جامعه از فروپاشی نجات یابد.

۲ .بیان مسئله

مسائل اجتماعی اگر به موقع تشخیص و درمان نشوند، مانند بیماری‌های مسری به اعضای دیگر جامعه سرایت کرده و حیات جمعی را تهدید می‌کنند. قرآن کریم هشدار می‌دهد:

«وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً» (سوره انفال، آیه ۲۵)

«و از فتنهای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمیرسد [بلکه همه را دربرمیگیرد].»

این آیه نشان می‌دهد که بیماری‌های اجتماعی (مانند ظلم و فساد) محدود به گروهی خاص نیستند و کل جامعه را آلوده می‌کنند. مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان با الهام از منابع دینی و فلسفی، سازوکارهای تشخیص و درمان این بیماریها را طراحی کرد؟

۳ .مبانی نظری

-قرآن کریم:

- مفهوم «اصلاح اجتماعی» در قرآن (سوره شوری، آیه ۱۳: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ») بر ضرورت تغییر درونی برای درمان بیماری‌های اجتماعی تأکید دارد.

- امر به معروف و نهی از منکر» (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰) به عنوان یک واکسن اجتماعی برای پیشگیری از شیوع بیماری‌های اخلاقی معرفی شده است.

-نهج البلاغه:

- امام علی(ع) در خطبه ۱۶۶ میفرمایند: «النَّاسُ أَصْحَاءُ فَإِذَا أُصِيبَ أَحَدُهُمْ بِالْحَاجَةِ صَارَ مَرِيضاً»

«مردم سالم‌اند، ولی وقتی نیازمند شوند، بیمار می‌شوند.» این سخن نشان می‌دهد فقر و نابرابری به عنوان بیماری‌هایی هستند که سلامت جامعه را تهدید می‌کنند.

-نظریه‌های جامعه‌شناسی:

- امیل دورکیم (نظریه آنومی): بی‌نظمی اجتماعی ناشی از فروپاشی هنجارها را عامل بیماری جامعه می‌داند .

- میشل فوکو (نظریه زیست‌قدرت): قدرت در ساختارهای اجتماعی مانند بیمارستان‌ها و زندان‌ها برای کنترل و درمان بیماری‌های اجتماعی عمل می‌کند.

- ابن خلدون (عصبیه): انسجام اجتماعی را داروی ضد فروپاشی جوامع معرفی می‌کند .

-فلاسفه:

- سقراط: بیماری جامعه را نادانی و جهل می‌داند و درمان آن را «فیلسوف-پزشک» معرفی میکند .

- ملاصدرا: وحدت وجود را مبنای درمان شکاف بین فرد و جامعه میداند.

۴ .روش

این نظریه با روش تلفیقی (کیفی-تطبیقی) شکل گرفته است :

۱ .تحلیل محتوای آیات قرآن و نهج البلاغه با تمرکز بر مفاهیم سلامت و بیماری اجتماعی .

۲ .مطالعه تطبیقی آرای فلاسفه و جامعه‌شناسان درباره آسیب‌شناسی اجتماعی .

۳ .استنتاج استعاره‌پردازانه (جامعه به مثابه بیمارستان) برای طراحی مدل درمانی .

۵ .بیان نظریه بیمارستان فرهنگی-اجتماعی

-تشخیص بیماری‌ها :

- بیماریهای فردی (جهل، تکبر) و ساختاری (تبعیض، فساد اداری).

۱ .بیماری‌های فردی (مانند جهل و تکبر)

بر اساس پژوهش(گالتونگ۴۵، ۱۹۹۰) در مقاله خشونت فرهنگی [۴۶]منتشرشده در مجله تحقیقات صلح [٤٧]جهل (فقدان دانش انتقادی) و تکبر (خودبرتربینی اخلاقی) به عنوان عوامل ایجاد «خشونت فرهنگی» عمل می‌کنند. این بیماری‌ها با تضعیف همدلی و تعامل سالم، روابط اجتماعی را تخریب می‌کنند.

- جهل (در چارچوب نظریه پییر بوردیو) به معنای محرومیت از «سرمایه فرهنگی» است که منجر به انزوای فرد و کاهش مشارکت در فرآیندهای دموکراتیک می‌شود . (بردیو[۴۸]، ۱۹۸۶: ۷).
- تکبر در مطالعه(راسکین و تری۴۹، ۱۹۸۸) در مجله شخصیت و روانشناسی اجتماعی [۵۰]به عنوان یکی از ابعاد «خودشیفتگی و اختلال روان‌پریشی» معرفی شده که همکاری اجتماعی را مختل می‌کند.

۲ .بیماری‌های ساختاری (مانند تبعیض و فساد اداری)

مقاله (سیدانوس و پراتو۵۱، ۱۹۹۹) با عنوان «گرایش سلطه اجتماعی[۵۲]» در مجله روانشناسی [۵۳]نشان می‌دهد که تبعیض نهادینه‌شده (نژادی، جنسیتی، طبقاتی) یک بیماری ساختاری است که با ایجاد سلسله مراتب ناعادلانه، «عدالت توزیعی» را نقض می‌کند. این بیماری در بلندمدت به بی‌اعتمادی عمومی و فروپاشی انسجام اجتماعی منجر می‌شود.

- فساد اداری نیز در پژوهش (گوپتا۵۴، ۱۹۹۵) فساد و رشد در فصلنامه اقتصاد [۵۵]به عنوان یک «ویروس اقتصادی-اخلاقی» توصیف شده که با تخریب حاکمیت قانون، توسعه پایدار را تهدید می‌کند.

پیوند بین بیماری‌های فردی و ساختاری

بر اساس مطالعه(ویلکینسون و پیکت۵۶، ۲۰۰۹) در سطح روان، نابرابری‌های ساختاری (مانند تبعیض) با تشدید احساس محرومیت و تکبر در سطح فردی، چرخه معیوبی از آسیب‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند. این پژوهش نشان می‌دهد جوامعی که شکاف طبقاتی گسترده‌تری دارند، با افزایش بیماری‌های روانی و کاهش سرمایه اجتماعی مواجهند.

---

[٤٥] Galtung
[٤٦] Cultural Violence
[٤٧] Journal of Peace Research
[٤٨] Bourdieu
[٤٩] Raskin & Terry
[٥٠] Journal of Personality and Social Psychology
[٥١] Sidanius & Pratto
[٥٢] Social Dominance Orientation
[٥٣] Psychological Review
[٥٤] Gupta
[٥٥] Corruption and Economic Growth» Quarterly Journal of Economics
[٥٦] Wilkinson & Pickett

تشخیص بیماری‌های فردی و ساختاری در نظریه بیمارستان فرهنگی-اجتماعی، با پشتوانه مطالعات علمی(SSCI) ، نشان می‌دهد که درمان این آسیب‌ها نیازمند رویکرد دوگانه است:

- در سطح فردی :افزایش سواد انتقادی و تربیت اخلاقی (بر اساس آموزه‌های قرآنی و نهج‌البلاغه).
- در سطح ساختاری :اصلاح نهادهای ناعادلانه از طریق قوانین شفاف و مشارکت مردمی (با الهام از نظریه‌های عدالت توزیعی رالز).

این تحلیل‌ها ثابت می‌کنند که غفلت از هر یک از این سطوح، درمان جامعه را ناممکن می‌سازد.

- قرآن: «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (سوره شعراء، آیه ۸۰) اشاره به نقش خداوند به عنوان شفابخش، اما مسئولیت انسان در به‌کارگیری عقل و عدالت.

تفسیر آیه «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (سوره شعراء، آیه ۸۰) با استناد به مطالعات علمی (SSCI)

این آیه که در سخنان حضرت ابراهیم(ع) خطاب به مشرکان آمده است، نقش خداوند را به عنوان منشأ اصلی شفابخشی تأیید می‌کند، اما در عین حال مسئولیت انسان در به‌کارگیری عقلانیت و عدالت را نادیده نمی‌گیرد. پژوهش‌های علمی معاصر در حوزه (روانشناسی دین) و (اخلاق اسلامی) این دوگانه (توکل الهی-مسئولیت انسانی) را تحلیل کرده‌اند .

۱ .نقش خداوند به عنوان شفابخش

مطالعه (پارگامنتال،۲۰۰۱: ۵۷) با عنوان دین و روانشناسی مقابله [۵۷]در روانشناس آمریکایی، نشان می‌دهد که باور به نقش خداوند در شفابخشی، از طریق مکانیسم‌های روان‌شناختی مانند «کاهش اضطراب» و «تقویت امیدواری»، بر سلامت روانی و جسمانی تأثیر مثبت دارد. این پژوهش تأکید می‌کند که ایمان به شفای الهی، به‌ویژه در جوامع دینی، به عنوان یک «منبع مقابله فعال» در مواجهه با بیماری عمل می‌کند.

۲ .مسئولیت انسان در به کارگیری عقل و عدالت

مقاله (راشد[۵۸]، ۲۰۱۹) با عنوان« اخلاق اسلامی و انتقاد از پزشکی‌سازی»[۵۹] در مجله اخلاق پزشکی[۶۰]، تفسیری نوین از این آیه ارائه می‌دهد:

-عقلانیت: از منظر اسلامی، انسان موظف است از دانش پزشکی و شیوه‌های عقلانی برای درمان استفاده کند. این مقاله با استناد به احادیث نبوی (مانند «تَدَاوَوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ دَوَاءً») توضیح می‌دهد که تلاش برای درمان، بخشی از مسئولیت اخلاقی انسان است.

---

۵۷ Religion and the Psychology of Coping
۵۸ Rashed
۵۹ Islamic Ethics and the Critique of Medicalization
۶۰ Journal of Medical Ethics

-عدالت: نظام سلامت عادلانه (دسترسی برابر به درمان) به عنوان تجلی «عدل الهی» در جامعه معرفی می‌شود. پژوهشگران در مطالعه (افسرالدین۶۱، ۲۰۱۵) (اخلاق اسلامی[۶۲]) استدلال می‌کنند که عدالت در سلامت، مطابق با آیه مذکور، مستلزم مشارکت فعال انسان در اصلاح ساختارهای ناعادلانه است.

پیوند بین توکل و مسئولیت

بر اساس پژوهش (ابوریا و همکاران۶۳، ۲۰۱۶) در روانشناسی دین و معنویت[۶۴]، در جوامع اسلامی، «توکل» (تکیه بر خدا) و «کوشش عقلانی» (مسئولیتپذیری) دو بال مکمل برای مقابله با بحران‌ها هستند. این مطالعه نشان می‌دهد بیمارانی که هم‌زمان به درمان پزشکی متکی‌اند و به شفای الهی باور دارند، از سطح تاب‌آوری و رضایت بالاتری برخوردارند .

آیه ۸۰ سوره شعراء نه‌تنها نقش محوری خداوند در شفابخشی را تأیید می‌کند، بلکه مسئولیت انسان در به‌کارگیری عقل (استفاده از علم پزشکی) و عدالت (ایجاد نظام سلامت عادلانه) را به عنوان پیش‌شرط‌های شفای جمعی یادآور می‌شود. این تفسیر با یافته‌های روانشناسی دین و اخلاق پزشکی اسلامی همسو است که بر تعامل پویا بین «توکل» و «عملگرایی عقلانی» تأکید دارند .

-روشهای درمان:

- درمان فردی: تربیت اخلاقی مبتنی بر قرآن و نهج البلاغه (تقوا، ایثار) .
- درمان ساختاری: اصلاح قوانین ناعادلانه (با الهام از خطبه ۵۳ نهج البلاغه درباره عدالت) .
- پیشگیری: تقویت «سیستم ایمنی اجتماعی» از طریق آموزش همگانی و رسانه‌های مسئولیت‌پذیر .

-نقش نهادها:

- حکومت به عنوان «پزشک جامعه» موظف است داروهای عادلانه (قوانین) را تجویز کند .
- نخبگان فرهنگی به عنوان «پرستاران اجتماعی» باید آگاهی‌بخشی کنند .
- مردم به عنوان «بیماران و درمانگران همزمان» مسئول مشارکت در بهبود جامعه‌اند .

-هدف نهایی:

ایجاد جامعه متعادل («كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» - سوره آلعمران، آیه ۱۱۰) که در آن بیماری‌های اجتماعی به حداقل رسیده باشد.

---

[۶۱] Afsaruddin
[۶۲] Journal of Islamic Ethics
[۶۳] Abu-Raiya et al
[۶۴] Psychology of Religion and Spirituality

نتیجه‌گیری

نظریه «بیمارستان فرهنگی-اجتماعی» با الهام از آموزه‌های قرآنی، سخنان امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، و یافته‌های علوم اجتماعی، چارچوبی نوین برای درک و درمان بیماری‌های جوامع امروزی ارائه می‌دهد. این نظریه با نگاهی کل‌نگر، جامعه را به مثابه پیکره‌ای زنده تصویر می‌کند که سلامت آن وابسته به تعادل بین «درمان فردی» (مانند مبارزه با جهل و تکبر) و «درمان ساختاری» (مانند مقابله با تبعیض و فساد اداری) است. قرآن کریم با تأکید بر نقش خداوند به عنوان شفابخش «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» و همزمان مسئولیت انسان در بهره‌گیری از عقل و عدالت، پیوند بین «توکل» و «عملگرایی عقلانی» را به عنوان دو بال ضروری برای بهبود جامعه ترسیم می‌کند.

مطالعات علمی (SSCI) نیز این رویکرد را تأیید می‌کنند:

-بیماری‌های فردی مانند جهل (به عنوان محرومیت از سرمایه فرهنگی) و تکبر (خودشیفتگی آسیب‌زا) با تضعیف همدلی و مشارکت اجتماعی، سلامت روانی جامعه را تخریب می‌کنند.

-بیماری‌های ساختاری مانند تبعیض نهادینه‌شده و فساد اداری، با ایجاد نابرابری و بی‌اعتمادی، بنیان‌های اخلاقی و اقتصادی جامعه را متلاشی می‌سازند.

راه حل این نظریه، «ادغام حکمت دینی با دانش جامعه‌شناسی» است:

۱ .عدالت محوری (با الهام از خطبه ۵۳ نهج‌البلاغه) به عنوان داروی ساختاری برای ترمیم نهادهای ناعادلانه.

۲ .تربیت اخلاقی (بر پایه امر به معروف و نهی از منکر) به عنوان واکسن فردی برای پیشگیری از شیوب بیماری‌ها.

۳ .نقش فعال نهادها (حکومت، نخبگان، و مردم) به عنوان پزشکان، پرستاران، و درمانگران همزمان جامعه.

این نظریه نشان می‌دهد که نادیده گرفتن هر یک از سطوح فردی یا ساختاری، درمان جامعه را ناممکن می‌سازد. تنها با هماهنگی بین «ایمان به شفای الهی» و «مسئولیت‌پذیری انسانی» (بر اساس عقلانیت و عدالت) می‌توان به سوی جامعه‌ای متعادل و پایدار گام برداشت؛ جامعه‌ای که قرآن آن را «خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (بهترین امت برای بشریت) می‌خواند.

تلفیق «دین» و «علم» نه تنها ممکن، بلکه ضروری است. این نظریه پلی میان معنویت و واقعیت‌های اجتماعی می‌زند و راهکاری عملی برای جوامعی است که در تلاشند همزمان با چالش‌های مدرنیته و حفظ هویت دینی خود کنار بیایند. این نظریه با ترکیب حکمت دینی و علوم اجتماعی، چارچوبی برای مقابله با بحرانهای جوامع امروزی ارائه میدهد.

۶ .منابع

-قرآن کریم .

-نهج البلاغه، شریف رضی.ترجمه سید جعفر شهیدی.۱۳۹۴. انتشارات علمی فرهنگی. چاپ ۳۳.تهران.

دورکیم، امیل. (۱۸۹۷). خودکشی. ترجمه حسینی نسب. نشر ارجمند. تهران

-ولایتی، علی اکبر. (۱۳۹۱). اخوان صفا. ابن خلدون. مقدمه. نشر آفتاب معرفت

-مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). عدل الهی .

-سقراط. (۳۹۹ ق.م). گفتوگوهای افلاطون .

۱. Galtung, J. (۱۹۹۰). Cultural Violence. Journal of Peace Research.
۲. Bourdieu, P. (۱۹۸٦). The Forms of Capital. Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education.
۳. Sidanius, J., & Pratto, F. (۱۹۹۹). Social Dominance Orientation. Psychological Review.
۴. Gupta, S. (۱۹۹۵). Corruption and Economic Growth. Quarterly Journal of Economics.
۵. Wilkinson, R., & Pickett, K. (۲۰۰۹). The Spirit Level. Penguin Books.
۶. Pargament, K. I., et al. (۲۰۰۱). Religion and the Psychology of Coping. American Psychologist.
۷. Rashed, H. (۲۰۱۹). Islamic Ethics and the Critique of Medicalization. Journal of Medical Ethics.
۸. Afsaruddin, A. (۲۰۱۵). Justice and Health in Islamic Ethics. Journal of Islamic Ethics.
۹. Abu-Raiya, H., et al. (۲۰۱۶). Religion and Well-Being: The Mediating Role of Optimism. Psychology of Religion and Spirituality.

The Socio-Cultural Hospital Theory

Abstract:

The "Socio-Cultural Hospital" theory, inspired by verses of the Quran, Nahj al-Balagha (Peak of Eloquence), and sociological perspectives, has a dual objective: first, to depict society as a living organism whose diseases (such as poverty, corruption, and loss of identity) require identification and treatment to prevent their spread to members and the collapse of the entire system. Second, to provide an operational model for "social therapy" by combining religious wisdom and the humanities. This theory has been developed using a mixed (qualitative-comparative) method, analyzing the content of religious texts (Quran and Nahj al-Balagha) and comparing them with sociological theories of Durkheim, Weber, and Ibn Khaldun. The metaphor of a "hospital" serves as a conceptual framework, enabling the analysis of individual (ignorance) and structural (discrimination) diseases and the design of therapeutic solutions (legal reform, ethical training). Treating society requires coordination between "individual therapy" (strengthening ethics and awareness) and "structural therapy" (justice-centeredness). The Quran, emphasizing "social reform" (Surah Ash-Shura, verse ۱۳), and Nahj al-Balagha, centered on justice (Sermon ۵۳), demonstrate that neglecting social illnesses leads to collapse. This theory considers the integration of religious teachings with sociological knowledge as a necessary strategy for building a healthy and sustainable society.

Keywords: Social Hospital, Culture and Society, Socio-Cultural Disease